

## میرزا یوسف قراباغی و تاریخ صافی

میرزا یوسف قراباغی در سال ۱۷۹۸ در خانواده‌ای ارمنی که از شهر اهر به روستای هادروت قراباغ مهاجرت کرده بودند، به دنیا آمد. وی به هنگام کودکی - در هشت یا نه سالگی - و در اوایل جنگهای دوره اول روس و ایران به تبریز آمد و مسلمان شد و با یک دختر تبریزی ازدواج کرد. میرزا یوسف زبانهای فارسی، ترکی و عربی را به خوبی فراگرفت و به عنوان «میرزا» مدت هجده سال در خدمت امیرخان سردار، دایی عباس میرزا نایب السلطنه مشغول به کار شد.

در ایام سکونت در تبریز به مطالعه تاریخ پرداخت و با طوایف و ملت‌های گوناگون برای پی بردن به طریقه و کیش آنها نشست و برخاست کرد. میرزا یوسف در زمان جنگهای دوم روس و ایران با حضور در سپاه امیرخان سردار که در اطراف قراباغ بود، ضمن اینکه از نزدیک شاهد عملیات نظامی ایران بود، طرف مشورت امیرخان هم واقع می‌شد.

پس از بسته شدن عهدنامه ترکمانچای میرزا یوسف به قراباغ بازگشت و بنابه نوشته منابع ارمنی و ترکی، توسط خلیفه باغدارحسن جلیان غسل تعمید داده شد.<sup>\*\*</sup> زن میرزا یوسف که اهل تبریز بود، به همین دلیل از او طلاق گرفت و میرزا یوسف با دختری ارمنی ازدواج کرد و از

او صاحب پنج فرزند شد که یکی از پسران وی به نام نرمنس (۱۸۴۸-۹۴) در اواخر سده نوزده به مقام استادی دانشگاه مسکو در رشته حقوق رسید.

میرزا یوسف در سالهای ۴۸-۱۷۴۷ به تدریس زبان آذری و فارسی در مدرسه آرامنه شهر شوش مشغول شد. سپس در سال ۱۸۵۴ به داغستان رفت و به عنوان مترجم به فرمانده ایالات کاسپین و قفقاز شمالی، سرلشکر گریگوری اربلیان، خدمت کرد.

میرزا یوسف در سال ۱۸۵۵ در ایام حضور در داغستان به چاپ سنگی مجموعه اشعار ترکی ملاپناه واقف، وزیر ابراهیم خلیل خان جوانشیر، و کسانی دیگر که با وی همزمان بوده‌اند، اقدام کرد. وی پس از خدمت سه ساله در داغستان به قراباغ بازگشت و به شغل معلمی مشغول شد و با همین شغل در سال ۱۸۶۴ در قراباغ فوت نمود.

تنها دست‌نوشته به جامانده از تاریخ صافی در انستیتوی نسخ خطی ککلیدزه گرجستان به شماره P-195 وجود دارد که یک مقدمه و نه مقاله در ۲۹۷ صفحه را به ترتیب زیر شامل است: مقدمه: «در تاریخ خلقت آدم الی زمان ظهور و بعثت حضرت عیسی مسیح (ع) و از آن تا ظهور [حضرت] محمد (ص) و تا حال.»

مقاله نخست: «در ذکر اخلاف آدم و پیغمبران که مبعوث گردیده‌اند و انتشار و اختلاف السنه»  
مقاله دوم: «در ذکر پادشاهان سلف که پس از آدم در اطراف عالم پادشاهی نموده‌اند»  
مقاله سوم: «در ذکر پادشاهان عجم که پیش از عهد اسلام بوده و به توالی پادشاهی نموده‌اند»  
مقاله چهارم: «در ذکر خلفاء راشدین و ملوک بنی‌امیه و خلفای بنی‌عباس»  
مقاله پنجم: «در ذکر پادشاهان که در عهد اسلام در ایران سلطنت کرده‌اند» پاره در مسلمانی و برخی نه»

مقاله ششم: «در فترت و پریشانی سلطنت ایران و ذکر شمه‌ای از حالات نادرشاه و جلوس او بر تخت شاهی»

مقاله هفتم: «در ذکر آزادخان و گزارش حالات او»

مقاله هشتم: «در احوالات ملک ارمن و گزارش حالات خمسه و اصل و نسب ملکهها و خوانین که در آن بوده‌اند»

مقاله نهم: «در کیفیت آمدن روسیه به ولایات قفقاز و تصرف بلاد و جنگ و محاربات با قزلباشیه و غیره»



گرچه در مقدمه کتاب به یک بخش پایانی با نام «در ذکر بعضی آثار و امکان غریبه که در اطراف جهان می‌باشند» اشاره شده، اما در پایان کتاب مطلبی در این باره نیامده است. میرزا یوسف انگیزه خود را از نوشتن کتاب، دیدن اختلافات، تعصب، دروغ و اغراق بسیار در کتابهای تاریخی ذکر کرده و اینکه به اشاره و خواهش تعدادی از دوستان قصد نوشتن تاریخی را داشته که بدون دروغ و بسیار صاف باشد؛ به همین سبب نام کتاب را «تاریخ صافی» گذاشته است.

وی بیشتر کتابهای تاریخی به زبان فارسی، ارمنی و ترکی را مطالعه کرده، اما تنها از چند کتاب عهد عتیق همچون تورات، انجیل و زبور، شاهنامه فردوسی، جهانگشای نادری میرزامهدی خان استرآبادی و تاریخ ارمنستان چامچیان در کتاب خود نام برده است. میرزا یوسف پاره‌ای از رخدادها را، به‌ویژه جنگهای دوره دوم روس و ایران، به چشم دیده و یا از برخی معتمدان خود شنیده و آن را به نگارش آورده است.

وی نخست به سبب فراهم نشدن انسجام فکری لازم برای نوشتن کتاب، به دلیل تنگی معیشت، امکان پایان بردن کتاب را به دست نیاورد و نوشتن کامل کتاب به عقب افتاد. پس از اینکه در سال ۱۸۵۴ به‌عنوان مترجم در دستگاه سرلشکر گریگوری اربلیان، فرمانده ایالات کاسپین و قفقاز شمالی، مشغول به کار شد، به سفارش وی و کمکهای سردار داودویچ جوزجازی کتاب را کامل نمود.

از آنجا که میرزا یوسف خط نستعلیق فارسی را بسیار عالی می‌نوشت،<sup>۴</sup> کتاب تاریخ صافی را نیز با حوصله بسیار و با الفاظ فارسی مصطلح و بدون عبارتهای دشوار با کمک دیمتری و داودویچ جوزجازی در مدت کمتر از یک‌سال در سال ۱۸۵۵ به پایان رساند.

میرزا یوسف در چند جا از نوشتن کتابی درباره جنگهای سده نوزدهم و اقدامات یرملوف در داغستان سخن گفته، اما تاکنون اثری از این کتاب به دست نیامده است.

میرزا یوسف قرباغی تنها تاریخ‌نویس قرباغ در سده نوزدهم است که علل وقوع جنگهای دوره دوم، برنامه‌ریزی فرماندهان ایرانی، مخالفان جنگهای مزبور همچون

<sup>۴</sup> دو قطعه از این دست‌نوشته‌ها در آرشیو ماتناداران ارمنستان وجود دارد.

حیدرعلی خان صندوقدار، آرایش سپاه ایران، مسیرهای طی شده توسط لشکریان ایران در قزاق - شیروان - شکلی - گنجه - ایروان، اختلاف فرماندهان ایرانی با همدیگر، عیش و نوش برخی از فرماندهان ایرانی همچون محمدزمان خان، اطاعت نکردن شماری از فرماندهان ایرانی همچون امیرخان سردار از عباس میرزا، چگونگی تاکتیک ضربتی عباس میرزا برای تصرف قزاق، حضور آرامنه در سپاه ایران به هنگام محاصره قزاق، استفاده از ارمنیان برای متقاعد کردن آرامنه قزاق به تسلیم کردن قلعه، مقاومت‌های جانانه سپاه ایران در برابر سیسیانوف در اطراف ایروان، حضور طرفداران دولت ایران در قزاق، چگونگی طرفداری مسلمانان گنجه از سپاه ایران و ضربه زدن به روسها، مخالفت برخی از گرجیها در داخل گرجستان با روسها، جنگهای مددوف با عباس میرزا در اطراف قزاق و... را جز به جز تشریح کرده است.

گفته‌های میرزا یوسف در مقاله هشتم و نهم به سبب حضور در سپاه امیرخان سردار - که به اطراف قزاق نفوذ کرده بود - و دیدن مستقیم رخدادها و همچنین به دلیل نوشتن نامه‌های امیرخان سردار به بسیاری از مقامات بالا، به ویژه عباس میرزا، بسیار پرارزش و در مواردی منحصر به فرد است.

میرزا یوسف در نوشتن تاریخ تا فصل هفتم کوشیده است بی طرفی را حفظ کند، اما در درگیری میان روسیه و ایران به جانبداری آشکار و تملق آمیز از روسها پرداخته، تا جایی که از شکستهای روسیه از ارتش ایران به صورت کم رنگ و گذرا، عبور کرده است.

میرزا یوسف همه گناهان و دلایل بروز جنگهای دوره دوم را به گردن ایرانیان انداخته و همانند آدی گوزل بیگ، دعوت ابراهیم خلیل خان جوانشیر از ارتش ایران برای حضور در قزاق و پیوستن به آن را از روی پیری، تخیلات، بی تدبیری و خیانت وی می داند.

میرزا یوسف، حسینقلی خان، حاکم بادکوبه، را نیز به سبب قتل سیسیانوف خائن قلمداد کرده است می کند.

### نکات قابل توجه

- تاریخ صافی کتابی است در بردارنده مطالبی از دوران خلقت آدم تا جنگهای دوره دوم روس و

ایران.

- از اصطلاحات نوشته شده در مقاله اول و دوم کتاب همچون تماین و اخنوخ - که همان قابیل و انوش است، چنین برمی آید که دیدگاه میرزا یوسف بیشتر غیرایرانی و غیراسلامی بوده است. - استفاده از تقویم قمری نشان می دهد نویسنده از کتابهای فارسی سود جسته است، اما از دوره نادریه بعد از تقدیم میلادی نیز استفاده شده است.

- در ترجمه ارمنی و ترکی کتاب نه تنها کلمات، بلکه پارگرافهای متعددی حذف شده که به سبب فزونی این گونه موارد، اشاره به همه آنها در این مقاله ممکن نیست.

- مترجمان ترک و ارمنی برخی از کلمات را به فراخور منافع قومی و ملی خود - بدون اشاره به نوشته میرزایوسف - تغییر داده اند.

- میرزا یوسف قسمتهایی از مقاله هشتم و نهم خود را براساس کتاب قراباغنامه میرزا آدی گوزل بیگ تنظیم کرده، در نتیجه اشتباههای آدی گوزل بیگ را تکرار نموده است.

- به نسبت نوشته های نویسندگان فارسی زبان قراباغنامه ها همچون میرزا جمال جوانشیر قره باغی و پسرش، رضافلی بیگ، غلطهای املائی بسیار کمتر در تاریخ صافی دیده می شود.

- ایراد اساسی قراباغنامه نویسان سده نوزدهم، اشتباههای مکرر در تبدیل سالهای میلادی به قمری است که میرزا یوسف از آن مصون نمانده است.

- اطلاعات وی درباره برخی از رویدادهای تاریخی ایران به سبب نداشتن مطالعه لازم، بسیار اندک است. برای نمونه، میرزا یوسف نمی داند شاهرخ افشار توسط آغامحمدخان یا آزادخان افغان به قتل رسیده است.

- وی بارها از کلمات ترکی، روسی و در دو جا از خط ارمنی استفاده کرده است.

- میرزا یوسف برای خوشنود کردن اربلیانوف، درباره وی و داغستان مطالبی پراکنده نوشته است.

- از مطالب کتاب می توان پی برد که میرزا یوسف ارادت ویژه ای به مدداف داشته است. میرزا یوسف همچنین زیر تأثیر اقدامات نادرشاه افشار بوده و از وی به بزرگی یاد کرده است.

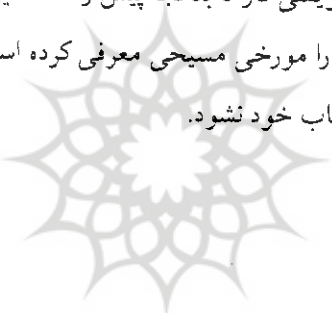
- کتاب بسیار روان، ساده و با مثلها و ابیات گوناگون به نگارش درآمده است.

معرفی کتاب ● میرزا یوسف قزلباشی و تاریخ صافی / ۲۴۳

- این کتاب به زبانهای آذری، ارمنی و انگلیسی ترجمه شده، اما تاکنون به زبان مادری، فارسی، چاپ نشده است.

- مترجمان آذری و ارمنی در نوشتن مقدمه برای ترجمه کتاب تاریخ صافی بارها از مطالب مقاله دوم تا هفتم استفاده کرده‌اند، اما از ترجمه برخی مقالات آن به سبب ارزش غیرتاریخی! خودداری کرده‌اند. مهم‌ترین دلیل این کار، محتوای مقاله‌های دوم تا هفتم است که میرزا یوسف در واپسین پاراگراف مقاله دوم هدف خود را از نوشتن این کتاب، روایت تاریخ مفصل ایران دانسته و در همین راه با بی‌طرفی، هویت تاریخی قفقاز را در قالب تاریخ ایران جستجو کرده است.

مترجم آذری در وارونه‌نویسی کار تا بدانجا پیش رفته که میرزامهدی‌خان استرآبادی را نه مورخ ایرانی یا فارسی، بلکه او را مورخی مسیحی معرفی کرده است تا مجبور به استفاده از کلمات «ایران» یا «فارسی» در کتاب خود نشود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

که بطلب از خصال شگری قدب آرد که بتریز از بطن بوی اسپهی قنار دارد  
که بگوری چند از آنجا بر سفاین محل بشود  
که گوری چند از آنجا بر بیرون بار دارد  
و بعضی احوالات را که پیش ازین سال و بعد از آن اتفاق افتاد چون در گذشته  
من بعد دعوا و می بر آورد و اکثر آن در استان در و استان واقع گردیده اند  
آن احوالات در مجله دیگر که رای گذارند و اینست که



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۵